

## ارکوک

در کتاب "سعدیه" که در قرن XVII بزبان فارسی تحریر یافته است نقل قول هائی در باره شجرات سید های ترمیز بیان گردیده است. حسب افسانه های متذکره، هنگامیکه عباسیان در محدوده خراسان قدرت را تصاحب نمودند، شخصی بنام "ارکوک" یا "ارکاک" که خود را از زمره نوادگان بهرام چوبین قلمداد مینمود از شهر فرغانه وارد شهر ترمیز گردید. وی متعاقبا ترمیز را ترک و راه بلخ درپیش گرفت و به حضور سید حسن الامیر که از جمله نوادگان امام الحسین ابن علی و از زمره عباسیان شمرده میشد حضور یاب و در آنجا به دین اسلام مشرف گردید. (129)

ارکوک متعاقبا به بغداد رفت تا در آنجا با خلیفه عرب آشنا گردد، خلیفه ای که بر اساس توصیه های حسن الامیر آنرا منحیث حکمران بلخ تعیین نموده بود. گفته شده است، هنگامیکه حسن الامیر بمنظور تنظیم امور دولنداری و تحکیم اساسات استعماری وارد ترمیز گردید، "ارکوک" وی را همراهی و کلیه امکانات دست داشته اش را در اختیار وی گذاشت و خود در احواء و انکشاف شهر سهیم گردید. ارکوک در حومه شهر ترمیز شهری بنام "سامان" بنا نهاد و در آبادانی و انکشاف آن سعی بلیغ بخرچ داد، جوی ها و کانالهای آبیاری حفر و باغهای بزرگ اعمار نمود و متعاقبا خود نیز در آن محل اسکان یافت. بعدها فرزندانش، آنانیکه بعد از وفات پدر زمام امور را در دست گرفته به مقامات شامخی نایل گردیدند نیز در همین شهر بدنیا آمدند. گفته میشود که، اسد دارای سه پسر بنامهای نوح، نصر و اسماعیل بود. هنگامیکه پسران اسد به سنین بلاغت رسیدند قسمیکه گفته آمد هر یک به پست های بلند بالائی منصوب شدند، چنانچه نصر منحیث حکمران سمرقندتوظیف شد و خود ارکوک به فرغانه رفت، تا اینکه در آنجا با جهان فانی وداع گفت.

[Семенов 1914: 3 – 20; Семенов 1955: 3 – 4].

در قرن XIX در حومه شهر ترمیز شهرکی وجود داشت که بنام "قریه سامان" نامیده میشد. در آبدۀ یادگاری قیرق قیز (چهل دختران) متعلق به قرون XI – XII که در شرق ترمیز و در فاصله 3 کیلومتری آن شهر واقع شده است، بقایای قلعه های خانوادگی سامانیان بدست آمده است.

[Хакимов 1983: 149 – 153].

گرچه معلومات مندرج در مقاله "سعدیه" دارای خصلت افسانوی میباشد، اما در عین حال حاوی معلومات ویژه و مبرمی است که در تثبیت و تدقیق منشاء تباری سامان خودات و سائرمسائل مساعدت مینماید. چنانچه از معلومات فوق برمی آید که:

. اسم حقیقی سامان خودات "ارکوک" یا "ارکاک" بوده است.

. اودر سرزمین فرغانه زاده شده.

. بعد از پذیرش دین مقدس اسلام منحیث حکمران بلخ مقرر گردید.

گفتنی است که سید حسن الامیر یکی از نوادگان ابو جعفر المنصور است که بنام ابو محمد الحسن ابن الحسین العلاوی البلخی شناخته شده و تاریخ ورودش از ولای بلخ به حومه ترمیزحوالی سال 251 هجری مطابق به سالهای 865-866 قیدگردیده است.

[*ان-ناسا فی 1462: 290a*].

گفته شده است که ارکوک جد سامانیان رهبری و اداره سرزمین بلخ را از خلیفه المتوکل بدست آورد، خلیفه ای که زمان حکمرانی اش بین سالهای 232-247 هجری مطابق به سالهای 847-861 م قید گردیده است. اما در عین حال معلومات مندرج در باره پیدایش سامانیان در منبع مذکور با معلومات مندرج در سائر منابع هم آهنگ نمیباشد.

[*میرزایف 2004: 15*].

قسمیکه گفته آمد، تاریخ بقدرت رسیدن پسران اسد یعنی نوادگان سامان خودات دقیقاً بین سالهای 204 هجری مطابق به سالهای 819-820 م قیدگردیده است، در حالیکه تاریخ آغاز فعالیت سیاسی سامان خودات، یعنی تاریخ تقرر اش منحیث حکمران بلخ مقارن زمان حکمرانی ابومسلم یعنی اواسط قرن VIII قید گردیده است. املازم است تا تاریخ مذکور حسب متون النسفی، سال 151 هجری مطابق به سالهای 865-866 شناخته شود.

بناءً خلیفه ای که ارکوک در شهر بغدادباوی ملاقات نمود، خلیفه المتوکل نه، بلکه احتمالاً خلیفه المنصور بوده باشد، خلیفه ای که زمان فرمانروائی اش مقارن سالهای 136-158 هجری مطابق سالهای 754-775 م قیدگردیده است. توجه باید داشت که درینجا تعلیقیت فرغانه ای سامان خودات سوال برانگیز و نامود نمی نماید، زیرا بهرام چوبین جد سامان خودات، شخصیکه با دختر ایل تیگین خاقان عالی ترک ازدواج نمود، و افسین سالهای حیات اش را در شهر فرغانه گذرانید و در آنجا متعلقینی از خود بجا گذاشت. (130)

[*ad Dinawarī: 98 – 102; Macoudī II: 223 – 224; Гумилев 1960: 229 – 230*]

هرگاه اگر ایل تیگین از جمله متولیان آئین بودائی بوده باشد، ممکن است بنا بر همین علت نوادگان بهرام چوبین به شهر قبا وارد و در آنجا اسکان گزیده باشند، شهری که طی قرون VII – VIII بزرگترین آبدۀ بودائی در آن قرار داشت، و توسط ترکان اعمار گردیده بود.

[*Булатова-Левина 1961: 241 – 250*].

توجه باید داشت که توظیف "ارکوک" منحیث حکمران بلخ احتمالاً با این مسئله که جیبه خان پدرسامان خودات الی استیلا عربها حکمران همین شهر بودو از جانبی متعلقین و وابستگان سامان خودات نیز در همین شهر سکونت داشتند مرتبط بوده باشد. توجه باید داشت که رهبری و اداره شهر فرغانه طور تصادف و ناگهانی در اختیار احمد پسر اسد، شخصیکه بعدها حاکمیت خراسان و ماوراءالنهر به وی تعلق گرفت قرار داده نشده است. چنانچه احمد در شهر فرغانه شهرکی برای پسرش بنا نهاد و آنرا "نصر آباد" نامگذاری نمود، در حالیکه خود نصر در شهرک "خیلام" فرغانه زاده شده بود.

[*al-Moqaddasī: 271*]. [*Hudud al-'Alam: 116; al-Istakhri: 334*].

توجه باید داشت که نمایندگان شاخه های خورد و بزرگ سامانیان فرغانه، حتی بعد از بقدرت رسیدن نوادگان احمد ابن اسد در سرزمین های بخارا و سمرقند، نیز از استقلالیت کلی از حکومت مرکزی برخوردار بودند، استقلالیتی که گاهها بشکل نمایشی و یا هم اعتراضی درسکه های شان منعکس میگردد. چنانچه بر علاوه عهده دار بودن حاکمیت خراسان، واگذاری زمام امور شهرک نصر آباد به شخصی به اسم بکر ابن ملک که از زمره مقامات مقرب به دربار سامانیان شمرده میشد، دقیقاً از زمره همین اقدامات مستقل گونه آنها شمرده میشد.

[*Давидович 1977б: 117 – 121*]. [*Давидович 1959: 212 – 213*].

در دامنه های "سلیمان تاغ" (کوه سلیمان) در حومه های شهر اوش، سنگ نوشته های صخره ای به اسم نصر ابن احمد بدست آمده است که بیانگر سال 329 هجری مطابق به سالهای 940-941 م میباشد.

[*Массон 1960: 111*].

اما، چیزیکه مربوط به نام "آرکوک" (Arquq) و یا "ارکاک" (Arqaq) میشود، میتوان گفت که این امر بمثابة منبع مهم و یگانه ای در جهت تثبیت اسم حقیقی سامان خودات پنداشته میشود. زیرا "ارکوک" و "ارکاک" اسماء معمولی ترکی اند که دارای پسوند های معمول زبان ترکی یعنی (-qaq, -γaq) و یا هم (-quq, -γuq)aq بوده و در قطار سائراسماء ترکی از قبیل Qunaq, Tuqaq, Tutaq, Saljuq در یک ردیف واقع میگردد. گفتنی است که آسماء متذکره در زبان ترکی قدیم به معنی "زوم، اوجر، سرتنبه، کله شخ" و غیره استعمال گردیده است. (131) اما در قاموس محمود کاشغری اسم Arquq بشکل ترکیبی *arquq kiši* یعنی "شخص سرتنبه، شخص زوم..." گفته شده است.

[*ДТС: 653, 654*], [*Ковшгарий I: 109; ДТС: 54*].

اگر "ارکوک" یا "ارکاک" حقیقتاً نواسه و یا کواسه ناوشرد *Naushard* برادر بزرگ بهرام چوبین

بوده باشد، در آنصورت این شخص فرددیگری از جمله افرادی متعلق به خانواده بهرام چوبین است که دارای اسم ترکی میباشند.

[*Мухторов 1999: 285; Бостонгухар 1998: 75 – 82*],

در منابع متعلق به قرون XV – XVI از شهری یا قلعه ای بنام "آرکوک" یا "ارقوق" در محدوده ترکستان (قزاقستان کنونی)، سرزمینیکه در قسمت نهائی و ساحل چپ سیردریا مقابل (درپیشروی) شهرساوران Sauran موقعیت دارد شهریکه خرابه های قلعه مزبور تا روز های مانیز موجود اند یادآوری شده است.

[*Исфхани: 42, 72 – 78, 81, 91, 92, 143 – 145, 175; Бартольд 1963a: 489*].

[*Материалы: 28, 29, 103, 111 – 113, 159, 258, 260*].

اساساتی وجود دارد مبنی بر اینکه نام قلعه متذکره پیوند دقیق و مشترکی با نام "ارکوک" یا "ارقوق" داشته باشد، در حالیکه در قاموس زبانهای سغدی، پهلوی و فارسی لغات مشابه وجود نداشته و اصلا به نظر نرسید. از جانبی بمنظور ایتیمولوژی (علم مشتق سازی واژه ها) نام ارکوک، قاعده دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه : آر + کوک ، در زبان ترکی قدیم بمفهوم "آدم گاهی" یعنی فردتیه کننده و فروشنده گاه افاده گردیده است. (132)

در آنصورت لازم میگردد تا مفهوم کلمه چغیلی "سامان" که بمثابه مبدا و تهداب اسم سامان خودات پنداشته میشود، بشکل لغات رد یابی (مشتق سازی) و یاهم مترادف واژه "کوک" ترکی قدیم با مفهوم "گاه" در نظر گرفته شود. (133)(134)

[*Кошгарий I: 392*],

#### پا ورقیها :

129. سید های شهر ترمیز شجره ابائی شان را به عبیدالله الارجو (لنگ) یعنی به نواسه امام زین العابدین ابن حسین میرسانند.

[*Мирзаев 2004: 14*].

130. هکذا اطلاعاتی وجود دارد مبنی بر اینکه سامانیان برخاسته از اسروشنه (اوستروشان) اند.

[*Мухторов 1998: 163*].

131. طور مثال.

Alijaq, Alp-Tughaq, Artuq, Asaq, Bajnaq, Barcuq, Barquq, Barkiyaruq, Bursuq, Buzuq, Damqaq, Duqaq, Imlaq, Karinjuq, Oghurjiq, Oyunaq, Qabajiq, Qarajiq, Qarluq, Qaylaq, Qultaq, Qurjuq, Quşluq, Saltuq, Satuq, Tughluq, Uçuq, Ulaq, Yuluq, Yarmaq, Yasaq, Yumaq и др.

[Рашид ад-дин 1987: 123 – 126; Кононов 1958: 71 – 94; Hennequin 1985: 68 – 82, 92, 98, 109, 462 – 547, 835 – 836.]

132. کلمه "کوک" در زبان ترکی کهن بمعنی "کاه" مستعمل بوده است.

[Курьшиджанов 1970: 147].

133. کلمه سامان از لحاظ لغت شناسی دارای ریشه ترکی SMN میباشد.

[Clauson 1972: 829].

134. کلمه سامان یعنی "کاه، پخل کاه"، در زبان فارسی برگزیده شده (وارد شده) از زبان ترکی "سامان" بمعنی "کاه" مورد استعمال دارد.

[ПРС II: 13] [Хафиз-и Таныш I: 221, 277].

لینک های اضافی (علاوه گی) که بکمک انها میتوان در باره نامهای ذکر شده در ین باب، معلومات آفاقی بدست آورد.  
( البته اینهاشامل بحث کتاب هذا نمیباشند.)

- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D9%88%D8%B4%D9%86%D9%87>
- <https://en.wikipedia.org/wiki/Osrushana>
- <https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A3%D1%81%D1%82%D1%80%D1%83%D1%88%D0%B0%D0%BD%D0%B0>

درباره اسروشانه